



دیلیم نامه

ترجمه و تحلیل چند متن کهن تاریخی و هنری

به اهتمام
عنایت‌الله مجیدی



سرشناسه	مجیدی، عنایت‌الله، ۱۳۲۲-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	دیلیم نامه (ترجمه و تحلیل چند متن کهن تاریخی و هنری) / به اهتمام عنایت‌الله مجیدی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۶، ۲۸۸ ص.
فروست	مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشاریزدی؛ شماره ۲۱۱.
شابک	گنجینه اسناد و تاریخ ایران؛ ۶۰.
وضعیت فهرست‌نویسی	۹-۸۵-۵۹۴۲-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	فیبا
یادداشت	واژه نامه
موضوع	نمایه
موضوع	ایران -- تاریخ -- دیلمیان، ۳۲۰-۴۴۷ ق. -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Iran -- History -- Buyids, 939-1055 -- Early works to 20th century
موضوع	۱- دیلمان -- تاریخ، ۲- گیلان -- تاریخ، ۳- زیدیه (شمال ایران) -- تاریخ، ۱- دیلمستان -- تاریخ.
موضوع	الف - عنوان ب - آرام، احمد ۱۲۸۱-۱۳۷۷، ج - ابن حنبل، د - ابن واصل، ه - بهرامیان، علی ۱۳۴۷- و - جوینی، عطاملک ۶۲۳-۶۸۱؛ ز - خورش، عقیل ۱۳۳۲-؛ ح - سجادی، صادق ۱۳۳۲-؛ ط - صابی، ابوهلال ۳۱۳-۳۸۴؛ ی - خان، محمد صابر؛ ک - احمد بن سهل رازی (قرن ۴ ق)
	ل - اخبار فیه؛ م - المنتزع من کتاب التاجی، ن - تاریخ جهانگشا؛ س - گزارش ابوعلی به صاحب بن عباده؛
	ع - التاریخ الصالحی؛ ف - علی بن الحسن بن الرضی الحسنی الحافظ (قرن ۸ ق)؛ ص - تفضیل الاثرک؛
	ق - ابوعلی حسن بن احمد (قرن ۴ ق) - ر - بطیعی، حسین بن علی، قرن ۶ ق، ش. کاشی، شمس الدین، قرن ۶-۷ ق، ت. شهنامه چنگیزی
موضوع	Deylaman (Iran) -- History
رده‌بندی کنگره	DSR ۷۱۳/۴۳۵ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۰۲۸۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۳۳۹۵۶

ديلم نامه

ترجمه و تحليل چند متن كهن تاريخي و هنري



دیلیم نامه

ترجمه و تحلیل چند متن کهن تاریخی و هنری



به اهتمام



عنايت الله مجیدی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۰]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



دیلم نامه
ترجمه و تحلیل چند متن کهن تاریخی و هنری



عنايت الله مجیدی به اهتمام

گرافيست، طراح و مجری جلد
حروف نگار و صفحه آرا
کاوه حسن بیگلر
بهاره بادافراس

لیتوگرافی
چاپ متن
صحافی
تیراژ
چاپ اول
کوثر
آزاده
حقیقت
۱۱۰۰ نسخه
پاییز ۱۳۹۷

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

متولیان منصوص

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با مایاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی

محمود افشاریزدی

تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوجی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را دج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

فهرست مندرجات

۱. پیشگفتار ۹-۱۳
۲. درباره کتاب التاجی فی اخبارالدولة الدیلمیة ۱۵-۴۱
محمدصابر خان - ترجمه احمد آرام
۳. پاره‌هایی از کتاب التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیة ۴۵-۱۱۷
ابواسحاق صابی - ترجمه عقیل خورشیا - سیدصادق سجادی
۴. دودمانی ایرانی از دیوانسالاران و ادیبان برجسته قرون ۴ و ۵ ق ۱۲۱-۱۲۷
صادق سجادی
۵. پاره‌هایی از تفضیل‌الأتراک علی سائرالأجناد ۱۳۱-۱۳۸
ابن حسّول - ترجمه علی بهرامیان
۶. پاره‌هایی از کتاب اخبار فخر و خبر یحیی بن عبدالله و أخیه إدريس بن عبدالله ۱۴۱-۱۵۲
احمد بن سهل رازی - ترجمه علی بهرامیان
۷. دژ سمیران [شمیران] ۱۵۵-۱۶۰
یاقوت حموی - ترجمه احمد کسروی - سیدابوالفضل طباطبایی

۸. پاره‌هایی از کتاب التاریخ الصالحی
ابن واصل - ترجمه عقیل خورش
۱۶۴-۱۶۳
۹. حمله مغولان به گردکوه و میمون دژ الموت
قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی. بازخوانی عنایت‌الله مجیدی
۱۷۱-۱۶۷
۱۰. حمله مغولان به الموت
علی بن الحسن بن الرضی الحسنی الحافظ. بازخوانی و توضیحات عنایت‌الله
مجیدی
۱۸۱-۱۷۵
۱۱. تحلیلی بر گزارش عظام‌لک جوینی: قتلگاه جمال‌آباد قزوین
عنایت‌الله مجیدی
۲۰۴-۱۸۵
۱۲. هجوم هلاکوخان بر شهرهای ایران و قلعه‌های اسماعیلیان
حسین بن علی بطیطی. ترجمه علی بهرامیان
۲۱۰-۲۰۵
۱۳. آلبوم نگاره‌های شهنامه چنگیزی
شمس‌الدین کاشی - به کوشش عنایت‌الله مجیدی
۲۶۷-۲۱۱
۱۴. نمایه عام
۲۸۵-۲۶۹

پیشگفتار

تاکنون در باب سبب تألیف و نیز اهمیت کتاب التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیة تألیف ابواسحاق ابراهیم بن هلال بن زهرون صابی (۳۱۲-۳۸۱ق)، چندین پژوهش مفید به رشته تحریر درآمده است. در این مقدمه کوتاه، بازگفت آن تحقیقات را ضروری نمی‌بیند و در آغاز کتاب حاضر، مقاله تحقیقی محمدصابر خان با ترجمه روانشاد احمد آرام در این باب بسنده است.

همین بخش باقی‌مانده و شناسایی‌شده از کتاب التاجی، که چاپ تحقیقی آن به همت ویلفرد مادلونگ انتشار یافت، در باب پیشینه و تاریخ فرمانروایان دیلمی و همسویی سیاسی و نیز کشاکش سلسله‌های محلی صفحات شمالی با زیدیان بسیار مفید و سودمند است. خوشبختانه همزمان با این کوششها، برای عرضه کتاب حاضر، پژوهشی دیگر با عنوان «بویه‌یان و زیاریان: روایتی نویافته از کتاب التاجی»^۱ از دکتر محمدعلی کاظم‌بیکی انتشار یافت. این تحقیق، چنان که از عنوان آن پیداست، متضمن فصلی گم‌شده، یعنی تلخیصی مستند از بخشی از

۱. مجله تاریخ و تمدن اسلامی، س ۶، ش ۱۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۲۷-۵۵.

مجلد پنجم کتاب التاجی است. این قسمت از کتاب را مجدالدین ابوالفتح فضل الله بن عبدالحمید کرمانی (در گذشته حدود ۶۲۰ق) در کتاب جوامع الفقر و لوامع الفكر خود و به مناسبت موضوع، گنجانده است. به دست آمدن همین اندازه از اثر یاد شده پس از چند قرن از تألیف کتاب التاجی غنیمتی ارزشمند است. بنابراین، این فصل نویافته نیز که تعلق آن به ابواسحاق صابی مسلم می‌نماید، در دنباله متن نخستین قرار گرفت. باید همچنین امیدوار بود که در آینده‌ای نه‌چندان دور، بخش‌های دیگری از این اثر کهن در میان مجموعه‌ها و گنجینه‌های عمومی و خصوصی به دست آید، اما پیش از آن می‌توان آرزومند بود که صاحب همّتی با جسّت و جو در متون کهن تاریخی، روایات پراکنده از کتاب التاجی را گرد آورد و در مجموعه‌ای مستقل منتشر کند.

برگردان چنین متن دشواری به فارسی، مترجمی یا مترجمانی متبحر و آگاه طلب می‌کرد، تا چنان که شایسته است از عهده این مهم برآید و آنچه پس از این خواهد آمد، گزارشی از چگونگی فراهم آمدن این کتاب است:

۱. از آغاز کتاب التاجی ص ۴۵ تا ص ۶۳ متن فارسی حاضر و همه اشعار متن کتاب التاجی با بزرگواری تمام به همّت آقای دکتر عقیل خورشید ترجمه شد و ویراستاری آن نیز با همّت و دقّت ویژه دکتر علی بهرامیان صورت گرفت. ترجمه و ویراستاری مابقی اثر یعنی از نیمه صفحه ۶۳ تا پایان صفحه ۱۱۷ متن فارسی حاضر به لطف آقای دکتر سید صادق سجادی انجام شده است.

۲. بخش دیگر در ربط با کتاب التاجی، قسمتی از رساله تفصیل الاتراک علی سائر الاجناد تألیف ابن حسّول (در گذشته ۴۵۰ق) است، که مقام مؤلف آن در نزد ترکان سلجوقی، مقامی همچون مؤلف کتاب التاجی نزد دیلمیان بود. ترجمه

آن بخش از مطالب این رساله که مستقیماً به موضوعات کتاب صابی مربوط می‌شد، به لطف آقای دکتر علی بهرامیان صورت عمل پوشید و هم اینجا ترجمه روان و شیوای او را از رساله ابن حسّول، به دنبال متن پیشین می‌خوانید.

۳. هم‌چنین، مقاله تحقیقی آقای دکتر صادق سجادی، با عنوان «دودمانی ایرانی از دیوانسالاران و ادیبان برجسته قرن ۴ و ۵ق»، برای شناخت خاندان ابن حسّول بسیار سودمند است و بر آگاهی‌ها در این زمینه بسی می‌افزاید.

۴. پس از آن، متن کهن و ارزشمند این مجموعه، ملاحظه خواهد شد که بخشی از کتاب احمد بن سهل رازی است، با عنوان *أخبار فتح و خبر یحیی بن عبدالله و أخیه ادریس بن عبدالله*، در باب قیام یحیی بن عبدالله و رفتن او به سرزمین دیلم. ترجمه این متن هم به قلم علی بهرامیان انجام پذیرفت.^۲

۵. در دنباله، گزارش یاقوت حموی خواهد آمد دربارهٔ دژ سمیران [شمیران] که به قلم احمد کسروی و سید ابوالفضل طباطبایی به شیوایی ترجمه شده است و متن کنونی شامل برخی توضیحات و تعلیقات است که ضروری به نظر می‌رسید.

۶. متن بعدی، منتخبی از *التاریخ الصالحی* ابن واصل حموی (وفات ۶۹۷ق) است، مربوط به ظهور دیلمیان یا سلسله جستانیان که به قلم دکتر عقیل خورشیا ترجمه شده است.

۷. متن دیگر، به حمله مغولان به گردکوه و میمون دژ الموت مربوط می‌شود و انتساب آن به قطب محمود بن مسعود شیرازی قطعی به نظر می‌رسد.

۸. گزارش ارزشمند علی بن الحسن بن الرضی الحسنی الحافظ مورخ ۷۳۸ق،

۲. در باب این اثر و مؤلف آن نک: بررسی‌های تاریخی دیگر. تألیف حسن انصاری، تهران: دهگان، ۱۳۹۶، ص

با عنوان «حملة مغولان به آلموت» است که این دو متن را با بازخوانی و توضیحات نگارنده در پی گزارش‌های پیشین ملاحظه می‌فرمایید.

نهمین بخش این مجموعه با عنوان «تحلیلی بر گزارش عطا ملک جوینی»، گزارش واقعه تلخ یورش مغولان به آلموت است که به دست توانمند جوینی، دبیر هلاکوخان نوشته شده است و امید است که بررسی‌های نگارنده در این باب در ذیل آن سودمند باشد.

۱۰. ترجمه بخشی از تاریخ مغول با نام «احوال ملوک التتار المغول» که به دست حسین بن علی بطیطی در ۶۵۸ق تألیف شده. در این متن به نقش خواجه نصیرالدین طوسی در تسلیم اسماعیلیان، چگونگی و محل به قتل رسیدن رکن‌الدین خورش، میزان تدارکات مغولان، به روایتی متفاوت از دیگر منابع آمده. بخشی از این متن کهن به دست توانای علی بهرامیان به فارسی ترجمه شده است.

۱۱. واپسین بخش این مجموعه آلبوم ۲۵ نگاره برگرفته شده از شهنامه منظوم چنگیزی است، تألیف شمس‌الدین کاشی. بی‌تردید برای علاقمندان آثار هنری دوره تیموری درخور توجه خواهد بود. نگارنده آن را با یادداشتی در اختیار نهاده است.

سرانجام اینکه، توضیح و شرح برخی اسامی جغرافیایی و شخصیت‌های تاریخی با بیان موارد اجمالی یازده متن ارائه شده را نگارنده این سطور، به ضرورت و به مدد منابع تاریخی و جغرافیایی و در حد بضاعت مزجاة تهیه و تدارک کرده است. این توضیحات را با نشان [م] مشخص کرده‌ایم و در پاورقی قرار داده‌ایم. افزون بر این، برای سهولت مراجعه به مطالب مندرج در متن، نمایه‌ای سودمند در پایان

کتاب آورده‌ام.

آنچه خوانندگان محترم پیش‌رو دارند، دفتر نخست از مجموعه آگاهی‌هایی‌ست که برای شناخت بهتر دیلم و دیلمستان مفید و سودمند به‌نظر می‌رسد و نگارنده امیدوار است که به توفیق خداوند متعال، مجموعه دیگری از این دست اطلاعات ارزشمند تاریخی و جغرافیایی مربوط به دیلم را در دفتری دیگر به دل‌بستانان تاریخ و فرهنگ ایران تقدیم دارد.

در پایان بسی سزاوار، بلکه بر من فرض است، از عزیزانی که در این مقدمه به نام شریفشان اشاره شد، و در گردآمدن این متن و ترجمه مرا یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری کنم و سپاس ویژه از آن همکار پر تلاش، سرکار خانم بهاره باداfras است که آراستگی و سرانجام یافتن این اثر، مرهون کوششهای صادقانه اوست.

عنایت‌الله مجیدی

بهمن‌ماه ۱۳۹۶ شمسی

درباره کتاب التاجی فی اخبار الدولة الديلمية

نگارش

محمد صابر خان

ترجمة

احمد آرام

درباره کتاب التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیة

نگارش

محمد صابر خان

ترجمه

احمد آرام

چنان گمان می‌رود که تألیف تاریخی معروف کتاب التاجی اثر ابواسحاق ابراهیم الصابی کاتب از میان رفته است، ولی نسخه‌ای از خلاصه قسمتی از این کتاب به دست آمده است.

نخست به توصیفی از ظاهر این نسخه می‌پردازیم. عنوانی که بر پشت و روی ورق اول این نسخه نوشته شده چنین است: کتاب المنتزع من الجزء الاول من الكتاب المعروف بالتاجی فی أخبار الدولة الدیلمیة، و نام مؤلف آن در همان دو جا به صورت ابواسحاق ابراهیم الکاتب الصابی آمده است.^۱

این تلخیص تاجی نسخه شماره ۱۴۵ از مکتبه المتوکلیه در جامع الکبیر واقع در شهر صنعای یمن است که فیلمی [میکروفیلم] از آن به شماره ۲۰۵ در

۱. نام درست و کامل وی: ابواسحاق ابراهیم بن هلال بن ابراهیم بن زهرون ابن حبون الحرانى الصابی است. رجوع کنید به تاریخ ادبیات عرب/تألیف کارل بروکلمان (لیدن: بریل، ۱۹۴۳). I، ص ۹۶؛ و ذیل همان کتاب، I (لیدن: بریل، ۱۹۳۷)، ص ۱۵۳ و بعد، ۵۴۷ و ۵۵۳.

دارالکتب المصریة قاهره وجود دارد. آن را در آخر نسخه‌ای از الجامع الکافی دربارهٔ فقه زیدی یافته‌اند.^۲

این تنها نسخهٔ شناخته‌شده است و مشتمل بر بیست و دو ورق است که ۵ و ۲۱ صفحه نوشته دارد.

در هر صفحه به ابعاد ۲۸×۱۹ سانتیمتر بیست و سه سطر نزدیک به یکدیگر نوشته شده، و در پای هر صفحه، نخستین کلمهٔ صفحهٔ بعد تکرار شده است [مقصود کلمهٔ «رکابه»]. کتاب را یکسره و با مرکب مشکی نوشته‌اند، ولی سرفصلها و آخرین صفحه با مرکب سرخ نوشته شده. کلمات یا جمله‌های از قلم افتاده را گاه در حواشی آورده‌اند، و بر ورقهای مختلف آن پنج بار مهر بیضی شکل کتابخانهٔ متوکلی زده شده است.

متن به دقت تحریر شده، ولی چند جا فاصله‌هایی گذاشته‌اند که بعد نوشته شود. خط کتاب زیباست، ولی تزیینات سرکتابی ندارد. از تاریخ و محل تحریر و همچنین نام و نشان کاتب نسخه هیچ ذکری نشده. به صورتی ناگهانی در وسط آخرین صفحه کتاب تمام می‌شود، ولی نسخه کامل است و به صورت خوبی محفوظ مانده است. بعضی از نقطه‌های حروف را نوشته و بعضی دیگر را ترک کرده‌اند؛ خط کتاب نسخ است و حروف کاملاً پختهٔ آن بیشتر حالت افقی و مربع دارد. زیر حروف د، ح، ط که منحصرأ عربی هستند، به صورت یکنواخت نقطه گذاشته شده. این شکل تحریر منظم ما را به این نتیجه می‌رساند که کتاب آن در جایی در ایران و شاید در یمن صورت گرفته است. کلمات اعراب ندارد

۲. بروکلمان، همان کتاب، ذیل I ص ۳۱۸ که در آنجا عنوان تمام چنین است: الجامع الکافی فی فقه الزیدیه، تألیف ابوعلی محمد بن علی الحسنی (وفات ۴۴۵ ق/۱۰۵۳ م).

و چنان می‌نماید که نویسنده آن در کتابت اهل فن بوده است. ظاهراً کاتب مرد دانشمندی نبوده و این از آنجا معلوم می‌شود که از نام اماکن که استنساخ می‌کرده آگاهی نداشته است.

اگر نگوییم که همه این گونه کلمات را چنان نوشته که قابل خواندن نیست، این را می‌توانیم بگوییم که بیشتر آنها را چنین نوشته، مخصوصاً از آن جهت که این نسخه در دنیا منحصر به فرد است. دیگر اینکه «ابوالحسین» را به صورت «بلحسین» و «القاسم» را به صورت «القسم» و «مکنی» را به صورت «مکنا» نوشته است و جز اینها که شماره آنها کم نیست.

در یادداشتی با خط جدیدتر بر صفحه سفیدی از این نسخه چنین آمده است که نسخه را در قرن یازدهم نوشته‌اند. اگر مقصود قرن یازدهم مسیحی باشد، تاریخ بسیار دوری است و اگر مقصود قرن یازدهم هجری باشد تاریخ بسیار دیری؛ به هر صورت این تاریخ قابل قبول نیست. از خصوصیات نسخه، چنانکه پیشتر ذکر شد، و توجه به اینکه آخرین تاریخ یافت‌شده در نسخه، بر صفحه ۲۲، ۶۲۵ق/۱۲۰۹م است، چنان بر می‌آید که این نسخه در حدود پایان قرن هفتم هجری و اوایل سیزدهم میلادی نوشته شده است.^۳

ابواسحاق ابراهیم الصابی، مؤلف این کتاب، یکی از افراد فرقه صابئین حران بوده است. به سال ۳۱۲ق/۹۲۶م تولد یافت^۴ و آغاز زندگی او در بغداد گذشت.^۵

۳. نگارنده هنوز موفق به دیدن خود نسخه نشده و تنها نسخه‌ای عکسی از آن در اختیار دارد، و به همین جهت در وضعی نیست که بتواند توضیح بیشتری درباره زمان تحریر آن بدهد.

۴. گزارش یاقوت درباره زندگی ابواسحاق از همه کامل‌تر است؛ ارشاد الاریب، چاپ د. س. مرگولیو (لندن، لوزاک، ۱۹۰۷)، I، ص ۵۸-۳۲۴؛ چاپ قاهره، II، ص ۹۴-۳۰. درباره زمان تولد وی اختلاف نظری وجود دارد. اگر به سال ۳۸۴ در ۷۱ سالگی از دنیا رفته باشد، که عقیده بیشتر زندگینامه‌نویسان وی چنین است، ←

چون از خاندانی بود که در طب و نجوم و ریاضیات مهارت داشتند، ابواسحاق در جوانی در این علوم پیشرفت کرد. با آنکه تا زمان مرگش بر همان مذهب صابئیان باقی ماند، در ظاهر به آداب اسلام رفتار می کرد و مثلاً در ماه رمضان روزه می گرفت. قرآن را از حفظ داشت و در نامه های رسمی خود از آن فراوان نقل می کرد. یاقوت نوشته است که وی در آغاز کار در بیمارستان بغداد به

→

آن وقت سال ۳۱۳/ق ۹۲۶ میلادی برای ولادت وی می شود. رجوع کنید به یاقوت، کتاب نامبرده، ابن خلکان؛ وفيات الاعیان، چاپ وستفالد (گوتینگن، ۵۰-۱۸۳۵)، I، ص ۲۲، ۲۳؛ چاپ قاهره (۱۳۱۰ هـ)، I، ص ۱۲؛ ابن الاثیر، الکامل، چاپ تورنبرگ (لیدن، بریل، ۷۶-۱۸۵۱)، IX، ص ۷۴، که در آن «احدی و تسعین» ممکن است «احدی و سبعین» خوانده شود. گفته ابن الندیم که او را متولد ۹۳۲/۳۲۰ و متوفای پیش از ۹۹۱/۳۸۰ دانسته (الفهرست چاپ قاهره، ۱۳۸۴ هـ، ص ۴-۱۹۳). قابل قبول نیست، چه سن ابواسحاق و تاریخ مرگ وی در مرثیه معروفی که شریف الرضی در زمان مرگ وی سروده آمده است؛ رجوع شود به دیوان رضی، چاپ بیروت، I، ص ۲۹۴ و مقالة «الصابی» نگارش ف. کرنکوف در چاپ اول دایرةالمعارف اسلام، IV، ص ۱۹، ۲۰؛ بروکلمان (کتاب نامبرده) نیز تصریح می کند که وی در ۹۳۶/۳۱۳ به دنیا آمده و در ۹۹۵/۳۸۴ از دنیا رفته؛ ولی در شذرات الذهب حنبلی (قاهره، ۱۳۵۰/۱۹۳۲)، III، ص ۱۰۷، و بیمة الدهر ثعالی (دمشق، چاپخانه ترقی، ۱۳۰۳/۱۸۸۶)، II، ص ۸۱ نیز مانند کامل ابن اثیر، عمر وی ۹۲ (احدی و تسعین) دانسته شده که نادرست است.

۵. ابن القفطی، تاریخ الحکماء، چاپ لپزینگ، (۱۹۰۳)، ص ۷۵.

۶. یاقوت، کتاب نامبرده، چاپ مرگولیو، I، ص ۳۲۴، ۳۲۶؛ ابن خلکان، کتاب نامبرده، رجوع شود به مجموعه نامه های وی به نام المختار من رسائل الصابی، چاپ شکیب ارسلان (لبنان، چاپخانه عثمانیه، ۱۸۹۶). مجموعه ای از نامه های او نیز توسط محمد کردعلی منتشر شده است. در مورد مجموعه های رسایل وی رجوع کنید به بروکلمان، کتاب نامبرده. نسخه ای قدیمی از مجموعه خوبی از نامه های رسمی و غیر رسمی وی در کتابخانه چستربیتی، دبلین موجود است (نسخ عربی، شماره ۵۲۲، ورق ۳۲ تا ۵/۲۱۴). که فیلمی از این نسخه با کمال مرحمت توسط مرحوم دکتر پ. کاهله استاد اکسفورد و دوسلدورف برای من فراهم شد. نگارنده حق دارد که چنان معتقد باشد که بعضی از نامه های مندرج در این نسخه خطی منحصر به فرد است. نمونه های چندی از رسایل وی در آثار ادبی و تراجم قرون وسطایی و ازمنه جدید نقل شده است. اینها نه تنها از لحاظ ادبی اهمیت دارند، بلکه از جنبه تاریخی نیز اهمیت فراوان دارند، چه از

←

عنوان دستیار پدرش، هلال، که پزشک زبردستی بود کار می‌کرد و ماهانه دوازده دینار مقرر داشت،^۷ ولی ابواسحاق طبعاً به شعر و ادبیات و صرف و نحو و لغت و انشای رسایل و به صورت کلی به علوم ادب تمایل داشت که پدرش آنها را دوست نمی‌داشت. زمانی به دستور پدرش نامه‌ای در جواب وزیر خراسان انشا کرد، و پدرش که قابلیت او را در نامه‌نگاری دید از این بابت خوشحال شد، وسایل کار را برای وی فراهم آورد تا به تمرین بپردازد و در دارالانشای دولتی منصب کاتبی پیدا کند.^۸

ابتدا در خدمت مهلبی (وفات ۹۶۴/۳۵۲) وزیر معزالدوله (وفات ۹۶۷/۳۵۶) بود، و به زودی عنوان کاتب و دبیر رسایل وی را در دیوان الرسایل پیدا کرد، و از طریق کتابت در کارهای وزارت دستیار او بود.^۹ هنگامی که به سال

→

منابع مکتوب تاریخ آل بویه و انحطاط خلافت به شمار می‌روند. یاقوت ظاهراً مجموعه نامه‌های او را که مشتمل بر ۱۰۰۰ برگ بوده دیده بوده است (کتاب نامبرده، I، ۳۵۸).

۷. کتاب نامبرده، چاپ مرگولیو، I، ص ۳۲۹.

۸. همان کتاب، I، ص ۴۰-۳۳۹.

۹. داستان دیگری به این صورت نقل شده است که معزالدوله فرستاده‌ای نزد مهلبی فرستاد و از او خواست که برفور نامه‌ای به محمد بن الیاس، حاکم کرمان بنویسد و از دختر او برای شاهزاده بختیار خواستگاری کند. مهلبی وزیر و همه نزدیکان وی چندان شراب نوشیده بودند که از عهده این کار بر نمی‌آمدند، و ابواسحاق که چنین نبود توانست نامه را بنویسد که مورد تحسین همگان قرار گرفت و این خود مهارت و شایستگی او را در فن نویسندگی به اثبات رسانید. یاقوت، کتاب نامبرده، I، ص ۴۳-۴۴؛ علاوه بر تسلط در شعر و نثر در ریاضیات و نجوم نیز دست داشت (رجوع شود به ابن القفطی، کتاب نامبرده). روایت کرده‌اند که اسطرابی به اندازه یک سکه ساخت و در جشن مهرگان آن را به مطهر بن عبدالله وزیر تقدیم کرد (یاقوت، کتاب نامبرده، I، ص ۳۲۹). قابوس بن وشمگیر رساله‌ای در اسطراب نوشت و آن را به نظر ابواسحاق صابی رسانید که نظر مساعد وی به تمامی نسبت به آن ذکر شده است. ابن اسفندیار (وفات حدود ۱۲۱۷/۶۱۳)، تاریخ طبرستان، چاپ عباس اقبال (تهران، خاور، ۱۳۲۰هـ) ص ۱۴۴، ۱۴۵. یکی از اشعار موجود وی نیز ←

۹۶۱/۳۴۹ این ثوابه از دنیا رفت، معزالدولة ابواسحاق را به منصب ریاست دیوان الانشاء برگزید.^{۱۰} پس از مرگ معزالدولة در ۹۶۷/۳۵۶ ابواسحاق به همان منصب، در دستگاه پسرش عزالدولة بختیار (وفات ۹۷۸/۳۶۷) باقی ماند. مهارت و شایستگی وی در نامه نگاری چندان بود که وی را یکی از چهار کاتب و نامه نگار برجسته به زبان عربی دانسته، و او را هم ردیف ابن عمید و صاحب بن عباد و ابوالقاسم عبدالعزيز بن یوسف شمرده اند.^{۱۱}

بعضی از نامه هایی که وی از طرف خلفای عباسی، المقتفی و المطیع و الطائع، نوشته در دست است و نشان می دهد که کاتب آنان نیز بوده است.^{۱۲} روایت شده است که نامه های رسمی که وی از طرف عزالدولة (وفات ۸ شوال

→

دلال بر این دارد که به نجوم علاقه داشته است. رجوع شود به النوری، نهایة الارب فی فنون الادب (قاهره، ۱۹۲۳)، I، ۴۰؛ ادوارد براون، تاریخ ادبی ایران (کمبریج، ۱۹۲۸)، II، ص ۱۰۳.

۱۰. ابن خلکان، کتاب نامبرده؛ یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۲۷؛ ابن الاثیر، کتاب نامبرده، IV، ص ۲۰.

۱۱. یاقوت، کتاب نامبرده، I، ص ۳۳۸. شایستگی ادبی وی از اینجا معلوم می شود که با متنبی شاعر مکاتبه داشته و به وسیله فرستاده ای از او درخواست کرده بود که شعری در مدح وی بسراید؛ متنبی در جواب گفت که هیچ کس را در عراق برای مدح کردن شایسته تر از ابواسحاق نمی داند، ولی چون از حامی و خواجه وی مهلبی در هیچ یک از اشعار خود مدحی نگفته، بیم آن دارد که اگر چنین کند مایه خشم مهلبی شود. ابواسحاق به اشتباه خود پی برد و خاموش ماند. یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۶۴؛ ثعالبی، کتاب نامبرده، I، ۱۴ و بعد؛ نظامی سمرقندی، چهار مقاله، چاپ محمد قزوینی و محمد معین (تهران، ۱۳۳۴/۱۹۱۶)، ۱۳؛ ابن اسفندیار، کتاب نامبرده، II، ص ۸۷. برای تحقیق درباره جنبه ادبی وی رجوع کنید به زکی مبارک، النشر الفنی فی القرن الرابع (چاپ دوم، قاهره، چاپخانه سعاده، ۱۹۵۷)، II، ص ۲۶۹ و بعد. دو «صاد» یعنی صاحب و صابی در فصاحت و بلاغت ضرب المثل شده بودند.

۱۲. رجوع کنید به المختار من رسائل الصابی (لبنان، ۱۸۹۸)؛ چاپ گردعلی از رسایل وی نسخه دبلین فوق الذکر.

۳۷۲ق/۲۶ مارس ۹۸۳م) نوشته بوده، مایه رنجش عضدالدوله شد.^{۱۳} به روایتی دیگر، نوشته‌ای که ابراهیم به عنوان پیمان صلح میان عضدالدوله در ۳۶۴ق تنظیم کرده بود، مشتمل بر کلماتی درباره مرتبه نسبی آنان بود که نسبت به عضدالدوله توهین‌آمیز بود، و مخصوصاً در آن برای عزالدوله از لحاظ نسب پدری اولویت به قلم رفته بود که کینه عضدالدوله را بر می‌انگیخت.^{۱۴}

چون سرانجام عزالدوله توسط عضدالدوله مغلوب شد و به قتل رسید (۹۷۸/۳۶۷)، بنا بر رسم آن زمان طرفداران وی را گرفتند و به زندان انداختند، و یکی از ایشان ابواسحاق الصابی بود که در تاریخ ۲۶ ذوالقعدة ۵/۳۶۷ ژوئیه ۹۸۷ به زندان افتاد.^{۱۵} مردمان برجسته‌ای، و از جمله مطهر بن عبدالله، وزیر عضدالدوله که به ابواسحاق ارادت فراوان داشت، در حق او نزد عضدالدوله شفاعت کردند. بنا به گفته هلال بن محسن الصابی، نوه ابواسحاق، وی را در ۹۸۲/۳۷۱، پس از سه سال و چند ماه زندانی بودن، از بند رها کردند.^{۱۶} از آن

۱۳. ابن خلکان، کتاب نامبرده.

۱۴. کرنکوف، کتاب نامبرده؛ یاقوت، کتاب نامبرده، I، ص ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۱ نقل کرده است که وی از طرف خلیفه الطائع بالله نامه‌ای به عضدالدوله نوشت که در آن حق اولویت به رکن‌الدوله داده شده بود، و تمام این نامه را آورده است. بسیاری از رسایل که از طرف عزالدوله نوشته شده بود در میان کاغذهای ابوطالب محفوظ در دارالقضای قلعه موصل به دست آمد و خشم عضدالدوله را بر افروخت؛ یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۳۲.

۱۵. یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۲۹، ۳۳۰.

۱۶. یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۳۰، ۳۳۶؛ ابن خلکان، کتاب نامبرده؛ ابن الاثیر، کتاب نامبرده، جلد IX، ص ۱۱. اینکه وی در ۹۸۲/۳۷۱ از حبس رهایی یافت، به صورت قطعی توسط الروذراوری در ذیل بر تجارب الامم ابن مسکویه چاپ و ترجمه مرگولیو و ه.ف. آمد روز تأیید شده است؛ رجوع کنید به کتاب انگلیسی کسوف خلافت عباسی (اکسفورد؛ بلکویل؛ ۲۱-۱۹۲۰)، ج III، ص ۲۱؛ ترجمه جلد VI، ص ۱۴. با آنکه در زمان مرگ عضدالدوله که در ۹۸۳/۳۷۲ اتفاق افتاده اختلافی نیست، معلوم نیست که چگونه

پس به حالت انزوا می‌زیست تا اینکه در سه‌شنبه دوازدهم شوال ۱۹/۳۸۴ نوامبر ۹۹۴ به سن ۷۱ سالگی از دنیا رفت.^{۱۷}

اکنون اوضاع و احوالی را که سبب نوشته شدن کتاب *التاجی* بوده است به اختصار ذکر می‌کنیم. ابوشجاع الروذراوری نقل می‌کند که عضدالدوله به مطهر فرمان داد که به جانب ثغور رود. مطهر درخواست کرد تا ابواسحاق را از بند رها کنند تا بتواند وی را به عنوان جانشین خود در پایتخت قرار دهد. عضدالدوله این پیشنهاد را نپذیرفت، ولی گفت که اگر ابواسحاق کتابی در مفاخر آل بویه تألیف کند او را از زندان رهایی خواهد بخشید.^{۱۸} مطهر خوراک و خلعت برای ابواسحاق برد و ابواسحاق کتاب *التاجی* را دربارهٔ سلسلهٔ آل بویه تألیف کرد.

پس از آنکه ابواسحاق قسمتی از کتاب را تألیف کرد، آن را نزد عضدالدوله برد تا مطالعه و حک و اصلاح کند و هرچه لازم است بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد.^{۱۹} پس از آنکه کتاب مطابق دلخواه عضدالدوله صورت اتمام پذیرفت،

→

ممکن است که خلاص وی در سلطنت شرف‌الدوله (وفات ۹۸۷/۳۷۶) به گفتهٔ کرنکوف (کتاب نامبرده) یا در سلطنت صمصام‌الدوله (مقتول در ۹۹۸/۳۸۸) به گفتهٔ یاقوت (کتاب نامبرده، I، ۳۲۵) صورت گرفته باشد. شرح حالی که یاقوت از ابواسحاق نوشته پر از گفته‌های متناقض است. نخست از این سخن می‌گوید که وی در زمان صمصام‌الدوله از زندان رهایی یافت. در جایی دیگر می‌گوید که پس از رهایی چندین بار عضدالدوله را در بستر بیماری ملاقات کرد و عضدالدوله به وی خلعت و پول بخشید (کتاب نامبرده، I، ۳۳۶).

۱۷. به حاشیهٔ شمارهٔ ۴ مراجعه شود.

۱۸. ابن مسکویه، کتاب نامبرده، III، ۲۲، ۲۳؛ یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۳۳.

۱۹. یاقوت نوشته است که ابواسحاق پاکنویس نهایی کتاب خود را بر عضدالدوله فرو خواند، و این کار یک هفته طول کشید (کتاب نامبرده).

نسخه‌ای آراسته از آن فراهم آوردند و در کتابخانه امیر قرار دادند.^{۲۰} این خصوصیات را، با تغییراتی جزئی، زندگینامه‌نویسان قرون وسطا همچون یاقوت و دیگران در تألیفات خود آورده‌اند.

عنوان کامل آن *الکتاب التاجی فی اخبار یا آثار الدولة الدیلمیة* است، ولی عموماً آن را *الکتاب التاجی می‌نامند*، از آن جهت که به فرمان تاج‌الملک نوشته شده است، و این تاج‌الملک لقبی است که الطائع بالله خلیفه در ۹۸۰/۳۶۹ به عضدالدوله داده بود.^{۲۱} نویسندگان معاصر ابواسحاق، مانند ابوحیان توحیدی^{۲۲} (وفات حدود ۱۰۲۳/۴۱۴)، ثعالبی^{۲۳} (وفات ۱۰۳۸/۴۲۹)،

۲۰. ابن مسکویه، کتاب نامبرده، ۲۳، VI، ۱۶، ۱۷؛ یاقوت، کتاب نامبرده، I، ۳۲۵.

۲۱. به همین ترتیب *الکتاب الیمینی* تألیف ابونصر العتبی (وفات حدود ۱۰۳۶ میلادی) به مناسبت لقب یمین‌الدوله که عنوانی از محمود غزنوی (وفات ۱۰۳۰/۴۲۱) بود و در زمان وی این کتاب تألیف شده بود چنین نامیده شده است. تا آنجا که نگارنده این سطور اطلاع دارد، قدیمترین اشاره به *الکتاب التاجی* توسط ابوشجاع الروذراوری شده که ابن مسکویه را به رونویسی از این کتاب متهم کرده است. این که مسکویه از تاجی رونویسی کرده یا نکرده توسط نویسنده در رساله دکتری خود به عنوان «منابع تاریخ معاصر مسکویه» آمده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه بودلیان اکسفورد موجود است (ص ۱۱۵ و بعد). ابن مسکویه، کتاب نامبرده، III، ۲۳، VI، ۱۷؛ ابن أبی اصبیه، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، قاهره، ۱۸۸۲/۱۲۹۹، I، ۲۲۴؛ و یاقوت (کتاب نامبرده، IV، ۲۵۷) به غلط آن را به سنان بن ثابت بن قرة نسبت داده است.

چنان به نظر می‌رسد که کتاب دیگری به نام *تاریخ جیل و دیلم* بوده است که آن را برای فخرالدوله (فرمانروایی در ری، ۸۷-۹۸/۳۷۳-۹۸۴) نوشته بوده‌اند. رجوع کنید به عطا ملک جوینی، *تاریخ جهانگشا*، چاپ میرزا محمد قزوینی (لیدن: بریل، ۱۹۳۷)، جزء III، ۱-۳۷۰. آن اثر اینک در دست نیست.

۲۲. کتاب *الامتناع والمؤانسة*، چاپ احمد امین و احمد الزین (چاپ دوم، قاهره، مطبعة لجنة، ۱۹۵۳/۱۳۷۳)، III، ۱۵۹؛ و نیز رجوع کنید به احمد امین، *ظهور الاسلام* (چاپ دوم، قاهره، ۱۹۵۷)، II، ص ۲۰۲، ۲۶۶.

۲۳. کتاب نامبرده، II، ۸۶-۲۳، III، ۳.

ابن الندیم^{۲۴} (وفات ۹۹۵/۳۸۵)، عتبی^{۲۵} (وفات حدود ۱۰۲۲/۴۱۳)، و بیهقی^{۲۶} (وفات ۱۰۷۸/۴۷۰) عنوان اثر تاریخی ابواسحاق را *الکتاب التاجی* ثبت کرده‌اند. ابوشجاع رودراوری^{۲۷} (وفات ۱۰۹۵/۴۴۸) و ابن حسّول^{۲۸} (وفات حدود ۱۰۶۳/۴۵۵) که رساله‌ای در ردّ آن نوشته، آن را به همین عنوان خوانده‌اند، و گروهی از مورخان متأخر ایرانی و عرب نیز از ایشان پیروی کرده‌اند.^{۲۹} ولی بیرونی (وفات حدود ۱۰۴۸/۴۳۹) معاصر جوان ابواسحاق، آن را به صورت *کتاب التاج* ذکر کرده است.^{۳۰}

اکنون می‌کوشیم تا تاریخ احتمالی تألیف آن را معلوم کنیم. ابن مسکویه عزیمت مطهر وزیر را به ثغور برای جنگ با حسن بن عمران، بدان صورت که

۲۴. کتاب نامبرده، ۱۳۴.

۲۵. کتاب البیمنی، چاپ مملوک العلی و I: شیرنگر (دهلی، ۱۸۴۷)، ۱۳؛ همراه با شرح منینی به نام *الفتح الوهمی* (بولاق، ۱۸۷۰/۱۲۸۶)، جلد I، ۴۷ و بعد، ۱۰۶.

۲۶. تاریخ بیهقی، چاپ دکتر غنی و دکتر فیاض (تهران، ۱۳۲۴ ش)، ۳۸۰.

۲۷. ابن مسکویه کتاب نامبرده III، ۲۳.

۲۸. رساله فی تفضیل الاتراک علی سائر الاجناد، چاپ عباس عززوی و شرف‌الدین یلتکای (آنکارا، ۱۹۴۰)، مقدمه، ص ۲۷ و بعد. رجوع کنید به ابن خلکان، کتاب نامبرده، ترجمه انگلیسی؛ کتاب فرانسه فرهنگ شرح حالها تألیف دوسلان (پاریس، ۱۸۴۲-۷۱)، III، ۲۶۱، ۲۶۲، حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، چاپ شرف‌الدین یلتکای (استانبول، ۱۹۴۱-۳)، ۲۷۰-۲۷۶، و عماد الحنبلی، کتاب نامبرده، III، ۱۰۶؛ ابن اسفندیار، کتاب نامبرده، I، ۱۳۹، ۳۰۰؛ و نیز رجوع کنید به کتاب انگلیسی ف. روزنتال، به نام تاریخی از تاریخ‌نویسی اسلامی (لیدن - بریل، ۱۹۵۲)، ۱۵۵؛ پاروقی شماره ۲.

۲۹. عطا ملک جوینی (زمان شکوفایی حدود ۱۲۶۰/۶۵۸) آن را تاریخ تاجی نامیده است، کتاب نامبرده، جزء III، ص ۲۱۶.

۳۰. الآثار الباقیة، چاپ زاخاو (لایپزیک ۱۷۷۸)، ۳۸؛ و نیز رجوع شود به ادوارد براون، کتاب نامبرده، I؛ ۳۷۲، *السخاوی در الاعلام...* (دمشق، مطبعة ترقی، ۱۳۴۹/۱۹۳۱)، ص ۹۶، آن را *اخبار الدولة البویهية* نامیده است.